

محیط‌های تاریخی طبیعی، حوزه‌های جدید در گردشگری و مرمت

چکیده

موضوع محیط‌های تاریخی طبیعی، عبارت است از ابنیه و دست ساخته‌هایی که در دل طبیعت متروک مانده‌اند. این ابنیه در طول سالیان دراز به صورت بستری از حیات گیاهی و جانوری، با محیط طبیعی اطراف به تعادل و هماهنگی دست یافته‌اند. این هماهنگی ناشی از استعداد ذاتی این بناهاست که حاصل فرهنگ‌هایی هماهنگ با طبیعت‌اند. مصالح، فرم‌ها و فضاها جملگی از محیط پیرامون الهام گرفته‌اند. با گسترش طبیعت‌گردی که شکل امروزی آن مفهومی مدرن تلقی می‌شود، این ابنیه که سال‌ها متروک مانده بودند و جز چوپانان و بیابانگردان کسی از وجود آنها باخبر نبود، از نو کشف شده و همچون جاذبه‌هایی جدید طبیعت‌گردان را به خود می‌خوانند. برخی از این مکان‌ها به جهت سابقه تاریخی یا پیچیدگی و زیبایی معماری، چندان مورد توجه قرار گرفته‌اند که به قطبی گردشگری تبدیل شده و گاه متولیان دولتی نیز پیدا کرده‌اند. در این مقاله تلاش می‌کنیم ویژگی‌های این مکان‌ها را به عنوان موضوعی جدید در مرمت ابنیه بیان کنیم. روش‌های برخورد با آن‌ها چنان مطرح می‌شوند که زیبایی‌ها و مفاهیمی که احساس نخستین کاشفان آن‌ها که «بسیار شکننده هم هست» از بین نرود و به عنوان شاخه‌ای جدید از گردشگری جهانی مطرح شود.

واژه‌های کلیدی:

محیط تاریخی، محیط طبیعی، طبیعت‌گردی، گردشگری، ارزش زیست محیطی

محیط‌های تاریخی طبیعی، حوزه‌ای جدید در گردشگری و مرمت

طرح نظریه

امروزه، در کشور ما، و با دیدی گسترده‌تر در همه جهان، ابنیه، راه‌ها، پل‌ها و بسیاری دست ساخته‌های بشری یافت می‌شوند که بر اثر خارج شدن از عرصه ارتباطات جدید و حوزه‌های مدنی به صورتی متروک در دل طبیعت به حیات خود ادامه می‌دهند. این ابنیه، به دلیل ویژگی‌های بسیار مهمی که ساخت و ساز در دنیای کهن داشته است، یعنی استفاده از مصالح بومی و هماهنگی با محیط اطراف، از لحاظ کارکرد و برقراری ارتباط با عوامل محیطی چون منابع آب، باد، شیب زمین و مانند این‌ها، و از نظر فرم، از استعداد و توانایی فراوانی برخوردار بوده‌اند که پس از متروک شدن، به عنوان

مهندس فرامرزی پارسسی[#]



بل رودخانه گولو در امتداد جاده سنگفرش

شرایطی که تاکنون توضیح داده‌ایم، می‌گنجند. قلعه‌های مشهوری چون قلعه بابک، قلعه الموت، یا قلعه ضحاک نمونه‌های مهمی از این دست به شمار می‌آیند. قلعه بهستان در نزدیکی شهر ماه نشان در استان زنجان، نمونه‌ای استثنایی است.

کاروانسراها

تعداد بسیار زیادی کاروانسرا در مسیر راههایی واقع شده‌اند که امروزه دیگر کسی از آنها عبور نمی‌کند، زیرا به علت خارج شدن این راهها از سیستم ارتباط‌های بین شهری و روستاها، جز طبیعت‌گردان حرفه‌ای، و در مواردی چوپانان، بازدیدکننده‌ای ندارند. بیشتر کاروانسراهای راههای کویری، و در مواردی کاروانسراهای راههای کوهستانی از وضعیت مشابهی برخوردارند. کاروانسرای عین الرشید در کویر سیاه کوه، کاروانسرای چشمه سفید آب در جنوب کویر مسیله، کاروانسرای مرنجاب در غرب کویر مسیله و کاروانسرای پلور مابین امام زاده هاشم و پلور از جمله نمونه‌های مشهور کاروانسراهای مورد بحث ما به شمار می‌آیند.

راهها

در خاطره کسانی که از راههای بازمانده گذشته‌های دور در مناطق دور دست کویری یا کوهستانی عبور کرده‌اند، زیباترین تجربه‌های طبیعت گردی، به یادگار مانده است. گام نهادن در جا پاهایی با دیرینه صدها و هزاران سال و تکیه کردن به این راهها برای یافتن مسیر و پی بردن به هوشمندی انسان‌های کهن در احداث این راهها، جملگی از ویژگی‌های این گونه محیط‌های تاریخ طبیعی به شمار می‌آیند. شاید از جمله جذاب‌ترین و بی نظیرترین این راهها، جاده سنگفرشی واقع در کویر گرمسار باشد که روستای کهک در

جزئی از طبیعت نقشی جدید بر عهده می‌گیرند. این نقش جدید همواره با حضور عامل انسانی همراه بوده است؛ حضور اندیشه انسان‌هایی که طبیعت را به خوبی می‌شناخته‌اند، به آن حرمت می‌نهادند و در مواردی هم آن را مقدس می‌شمردند.

این ابنیه پس از رها شدن، به سرعت به زیستگاه و مکان رشد گیاهان و جانوران تبدیل شده‌اند و در کنار زیبایی‌های معمارانه که حاصل اندیشه انسانی است، شکل‌های جدیدی از زیبایی‌های طبیعی خلق کرده‌اند. این زیبایی‌ها، منحصر به چنین مکان‌هایی است. فضای زیبا و پرابهام این مکان‌ها بسیار تأثیرگذار است. و به نحوی شگفت‌آدمی را به تأمل و ژرف اندیشی وا می‌دارد. این‌ها شاید بهترین مکان‌ها برای برقراری ارتباط صحیح دستاوردهای انسانی با محیط طبیعی باشند. به نظر می‌رسد که مفهوم یاد شده در این مقاله، در گذشته نیز از توجه برخوردار بوده یا دست کم تجربه شده است، چنانکه خیام در بیتی از رباعی مشهور خود به این مضمون اشاره کرده است:

آن کاخ که بهرام در آن جای گرفت

آهو بچه کرد و روبه آرام گرفت

معرفی ابنیه

جز در مواردی معدود که شهرها و روستاهای تاریخی با متروک شدن، ارتباطی اکولوژیکی با محیط پیرامون خود برقرار کرده‌اند، اکثر این مکان‌ها از آغاز نیز در خارج از شهرها قرار داشته‌اند. در این جا، این مکان‌ها را دسته‌بندی می‌کنیم تا امکان شناخت بهتری از آنها فراهم آید.

قلعه‌ها

شاید قلعه‌ها پرشمارترین نمونه فضاهای مورد نظر باشند؛ این ابنیه، به خاطر نقش کارکردی که بر عهده آن‌ها نهاده شده بود، یعنی ایفای نقش در حوزه نظامی، ناگزیر در مکان‌های دوردست و صعب‌العبور ساخته می‌شدند.

از این شکل قلعه‌ها، که در عین دسترس ناپذیری باید بر راه‌های اصلی مشرف و بر آن‌ها مسلط باشند، تا اواخر دوره قاجار استفاده می‌شده است.

قلعه نشینی نیز به عنوان یکی از گونه‌های مدنیت که در اواخر دوره سلجوقی کارکرد خود را از دست داده و عملاً در برابر الگوی شهرنشینی عقب‌نشسته است، در چارچوب بحث ما مکان و جایگاه قابل توجهی به خود اختصاص می‌دهد. نگارنده، فقط در منطقه آذربایجان نزدیک به یکصد باب قلعه شناسایی کرده است که اکثر آن‌ها در چارچوب

روستاهای بی نظیر، و البته متروکی، چون عشین در جنوب غربی ریگ جن و یا آب انبارها و حوض‌های کویری، مانند حوض قیلوقه یا حوض علی در کویر سیاه کوه و آق سرخ را برشمرد. غارهای دستکن، امام زاده‌های کویری، و برجها و میل‌های دور افتاده از راههای اصلی نیز نمونه‌های دیگری از محیط‌های تاریخی طبیعی به شمار می‌آیند.



قلعه بهتان در کنار رود فزل اوزن در نزدیکی ماه نشان

مهمترین ویژگی‌های محیطی تاریخی طبیعی
چنانکه گفته شد و در عنوان مقاله بر آن تأکید شده است، این محیطها از دو ویژگی چشمگیر برخوردارند. اولاً تاریخی بود نشان به معنی وجه انسانی، و این که این محیطها نمایانگر تحقق اندیشه انسانی‌اند؛ ثانیاً طبیعی بود نشان به این مفهوم که در طول سالیان دراز متروک مانده‌اند و بین آن‌ها و طبیعت رابطه محدودی برقرار (یا احیا) شده و به مثابه اکوسیستم درآمده‌اند.

در این اکوسیستمها، گونه‌های گیاهی چون درختان، درختچه‌ها، بوته‌ها، و گل‌های وحشی، و گونه‌های جانوری از قبیل پرندگان، مانند عقاب و جغد، و پستاندارانی چون روباه، و جوندگان و حتی حشرات و خزندگان کمیاب، بنای انسان ساخت را به عنوان بخشی از طبیعت پذیرفته و زیستگاه خود قرار داده‌اند. ترکیب عینی این دو مفهوم، یعنی تاریخ انسانی از یک سو، و محیط طبیعی از سوی دیگر، به این محیطهای تاریخی طبیعی مفهومی یگانه و منحصر به فرد بخشیده است. با عنایت به مطالب گفته شده، بدیهی است که هرچند که این محیطها را باید به عنوان ارزش‌های فرهنگی و طبیعی به ایرانیان و حتی جهانیان شناساند و امکان بازدید از آن‌ها را فراهم آورد، اما در عین حال لازم است که به آسیب‌پذیر بودن زیست محیطی و اکولوژیکی این اکوسیستم‌ها نیز توجه کافی کرد. هر نوع دخالت ناآگاهانه و بیش از حد انسان در محیط‌های تاریخی طبیعی، آنها را به محیط‌های تاریخی صرف تنزل خواهد داد.

تمامی باستان‌شناسان، مرمت‌کنندگان، و نیز مسئولان و کارشناسان حوزه گردشگری باید به اصول نظری محیطهای تاریخی طبیعی توجه کنند و در این زمینه از هر نوع برخورد ساده‌انگارانه و تکراری، مانند آن چه که در مورد ابنیه تاریخی شهرها و حوزه‌های مدنی اعمال شده است، بپرهیزند. می‌توان با اطمینان گفت که در آینده نزدیک این زاویه دید و نگرش به مکان‌های یاد شده، توجه جهانیان و به خصوص گردشگران و طبیعت‌گردان را فرا خواهد خواند در حالی که کشور ما از ذخیره‌های بی نظیر محیطهای تاریخی طبیعی فراوانی برخوردار است، جای دریغ و افسوس خواهد بود که

نزدیکی گرمسار را به کاروانسرای قصر بهرام در حاشیه سیاه کوه وصل می‌کند. طول این راه در ابتدا نزدیک به چهل کیلومتر بوده که امروزه نزدیک به ۲۰ کیلومتر آن باقی مانده است. این راه در میان باتلاق‌های کویر گرمسار به عرض ۵ متر و به عمق ۲/۵ متر سنگچین شده و در نوع خود از شاهکارهای مهندسی راه به شمار می‌آید. راه تاریخی عروسان به طرود یا راه تاریخی دماوند به آمل نیز از جمله این راهها محسوب می‌شوند.

پلها و پل بندها

مرمت کاران از دیرباز به پلها به عنوان ابنیه‌ای با ارزش نظر کرده‌اند. البته در چارچوب نظریه‌های مربوط به محیطهای تاریخی طبیعی، پلها از ویژگی‌های دیگری نیز برخوردارند؛ این ابنیه کامل‌کننده مفهوم راه در این نظریه به شمار می‌آیند و از سوی دیگر، به عنوان بنایی مستقل می‌توانند با طبیعت خاص پیرامون خود، یعنی رود و مسیل، ارتباط برقرار کنند در کتاب با ارزش پلهای تاریخی ایران تألیف مهندس ذاکر زاده از ۳۳۸ پل نام برده شده که بیش از نیمی از آن‌ها در خارج از شهرها قرار گرفته‌اند.

مقوله‌های مکانی را که در بالا از آن‌ها یاد کردیم می‌توان مهمترین مکان‌های تاریخی طبیعی به شمار آورد، ولی انواع پراکنده‌ای از این گونه‌ها نیز یافت می‌شود. از آن جمله می‌شود

در حالی که کشور ما از ذخیره‌های بی نظیر محیطهای تاریخی طبیعی فراوانی برخوردار است، جای دریغ و افسوس خواهد بود که سودمندیهای مادی و معنوی این دسته مکان‌ها و ابنیه نادیده گرفته شوند و از مدار استفاده بیرون بمانند.

سودمندیه‌های مادی و معنوی این دسته مکان‌ها و ابنیه نادیده گرفته شوند و از مدار استفاده بیرون بمانند.

مرمت محیط‌های تاریخی طبیعی

پس از تشریح مفهوم محیط‌های تاریخی طبیعی و بیان ویژگی‌های آن، می‌توان مبانی برخورد با این مکان‌ها را از دیدگاه مرمتی تدوین کرد، در این جا نیز مانند سایر موارد مرمتی مفهوم رفع خطر پیش می‌آید. دو دسته خطر در برخورد با این ابنیه پیش می‌آید. دسته نخست، خطرهایی اند که بنای تاریخی را تهدید می‌کند، و دوم آن دسته خطرها که اکوسیستم و رابطه آن با بنای تاریخی را تهدید می‌کند. در مورد خطرهای دسته اول مانند سایر ابنیه تاریخی عمل می‌شود اما برای دسته دوم موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

- مهار تعداد روزانه بازدیدکنندگان؛

- در موارد لزوم، حذف برنامه‌های بازدید تا انجام کارهای مرمتی نهایی؛

- پاکسازی محیط از زباله‌ها؛

- برقراری نگهبانی مؤثر، برای ایجاد آرامش در محیط.

بررسی وضع موجود

این مطالعات می‌توانند از دو زاویه و در دو بعد انجام گیرند. اولاً، بررسیها از دیدگاه معماری، که مانند سایر ابنیه تاریخی انجام می‌شود؛ دوم، بررسیهای زیست محیطی و اکولوژیکی، شامل مطالعه منابع آب، خاک، زیست محیط کوهستان، و اکوسیستم گیاهی و جانوری در فضاها و درونی و بیرونی اثر. مهمترین بخش مطالعات وضع موجود مطالعه ارتباطی است که این عناصر محیطی با بنا برقرار کرده‌اند.

۱. این مورد، بررسی گونه و جمعیت گیاهی و جانوری موجود در مکان مورد مطالعه، در ارتباط با موجودات آن مکان، اهمیت دارد.

۲. تعیین وسعت دامنه بررسی در پیرامون اثر به نوع محیط طبیعی اطراف بنا بستگی دارد.

آسیب شناسی

در آسیب شناسی این ابنیه، علاوه بر مطالعه عوامل آسیب زای بنا، باید به عوامل مختل کننده رابطه طبیعت پیرامونی با بنا نیز توجه شود. نکته مهم از این قرار است که با توجه به اصول نظری محیط تاریخی طبیعی، برخی عوامل طبیعی، چون گیاهان، که روند مرمت معمولی از عناصر مخرب فرض می‌شوند و در نخستین اقدام حذف آن‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد، در این نوع مرمت به دقت مطالعه و بررسی، و به



کاروانسرای ابن الرشید در حاشیه سیاه کوه

عنوان یک ارزش در همان جای خود نگهداری و محافظت می‌شوند. برخی از آن‌ها را نیز، در صورت پیش آوردن مشکلات جدی برای بنا، تنها از محل آسیب زادورتر می‌کنند و به محلی در همان نزدیکی انتقال می‌دهند. در واقع، مرمت کار باید بکوشد با در پیش گرفتن روشی پیچیده عناصر ظاهراً ناهمگون متضاد این مجموعه را محافظت کند.

طبیعی است که برای حفظ و نگهداری محیط‌های تاریخی طبیعی، بهره‌گیری از فناوری پیچیده‌تری مورد نیاز خواهد بود. آسیب‌های ناشی از فعالیت‌های انسانی از جمله مهمترین آسیب‌هایی به شمار می‌آیند که بر این محیطها وارد می‌آیند. تغییر مسیر منابع آب، چون رودها و جویبارها و احداث راههای روستایی یا راههای دسترسی به معادن، از جمله این عوامل ویرانگر محسوب می‌شوند. در واقع، کلیه عواملی که به نابودی یکی از دو وجه تاریخی یا طبیعی این مکان‌ها انجامد، یا ارتباط این دو وجه را بگساید، آسیب به شمار می‌آید.

جمع‌بندی

مهمترین نکاتی که رعایت آن‌ها در طرح مرمت این محیطها ضروری است از این قرارند:

- خود داری سپردن هر گونه کاربری موقت و دائمی این

تمامی باستان شناسان، مرمت کنندگان، و نیز مسئولان و کارشناسان حوزه گردشگری باید به اصول نظری محیط‌های تاریخی طبیعی توجه کنند و در این زمینه از هر نوع برخورد ساده انگارانه و تکراری، مانند آن چه که در مورد ابنیه تاریخی شهرها و حوزه‌های مدنی اعمال شده است، بپرهیزند.

مکانها به دیگران؟

- کلیه کاربری‌های مورد نیاز، مانند اقامتی، پذیرایی (رستوران و...) بهداشتی (دستشویی، توالت، آبخوری و...) باید در فواصل چشمگیری از اثر استقرار یابند، تا نه تنها به اکوسیستم کوچک و شکننده آن لطمه‌ای وارد نشود، بلکه چشم انداز بکر اثر نیز از آسیب مصون بماند؛

- ظرفیت بازدیدکنندگان این آثار محدود است. باید بر اساس مؤلفه‌های گوناگون، به تعداد بهینه و مناسب بازدیدکنندگان روزانه از آن‌ها دست یافت؛

- مرمت بنا بیشتر از نوع استحفاظی و استحکامی است، تا مرمت جامع؛

- هیچ منعی در مرمت سازه بنا وجود ندارد و هر کاری برای بقای بنا لازم است، باید انجام شود؛

- فعالیت‌های مرمتی باید در مراحل جداگانه، با حجم عملیاتی محدود انجام شود، و بین مراحل گوناگون مرمت فرصت کافی به اثر داده شود تا به آرامش لازم دست یابد؛

- وجود کارشناس محیط زیست در کلیه مراحل مطالعه، طراحی، و حتی بهره‌برداری از بنا الزامی است؛

- به بازدیدکنندگان باید آموزش کوتاه مدت ارائه شود، تا رفتارهای متناسب با محیط تاریخی طبیعی از خود بروز دهند؛

- بی‌گمان، تا روزی که این اصول نظری جامه تحققی عملی نپوشند، تجربه کافی برای عملی شدن نظریه‌های مرمتی در این زمینه به دست نخواهد آمد. تنها به اجمال می‌توان گفت که این مطلب طرحی جدید، همراه با ایجاد زاویه دیدی نو از بناهای تاریخی است، تا به مفاهیمی غنی‌تر از مفاهیم صرفاً معماری دست پیدا کنیم.

شاید ذکر یک نمونه به درک این موضوع کمک کند که نادیده گرفتن این اصول نظری چه مخاطراتی برای این بناهای یاد شده پیش می‌آورد.

چند سالی است که کاروانسرای قصر بهرام در کنار قله سیاه کوه در جنوب کویر گرمسار و شرق کویر مسیله، مرمت شده و علاوه بر کارکرد بسیار محدودی که تا چندی پیش به آن اختصاص داده شده بود، یعنی سکونتگاه محیط بان پارک ملی کویر، امروزه کارکردهای جامعتری نیز برای آن در نظر گرفته شده است. و بازدیدکنندگان زیادی را به خود جذب می‌کند. اتاق‌های آن را اجاره می‌دهند و آب چشمه شاهی در نزدیکی بنا برای سرویس‌های بهداشتی و حمام مورد استفاده قرار می‌گیرد. کمتر روزی است که تعدادی اتوبوس، گردشگران را به این مکان نیاورند. این مرمت و احیای بنا، شاید از دیدگاه رونق یافتن کاروانسرا بسیار موفق به نظر برسد. اما، در واقع

آب محدود چشمه که علاوه بر استفاده محدود در کاروانسرا برای مصرف موجودات زنده و گیاهان اطراف کاروانسرا قرار می‌گرفت، در حال حاضر به همراه مقادیر زیادی مواد شوینده به درون چاه جذبی احداث شده در محوطه کاروانسرا سرازیر می‌شود و خاک را آلوده می‌کند و در واقع از دسترس همان موجودات زنده نیز خارج شده است.

در پشت کاروانسرا نیز انبوهی زباله و ظروف پلاستیکی یکبار مصرف به چشم می‌خورد و تا مسافت زیادی در اطراف بنا انواع زباله‌های نایلونی پراکنده شده است. در نتیجه امروز دیگر بسیاری از موجودات زنده که قبلاً نگارنده در داخل و اطراف بنا، مانند چند جغد و دال و دسته‌هایی از جیبیر^(۱) در نزدیکی بنا به چشم دیده بود، دیگر دیده نمی‌شوند.

قطعاً سایر موجودات زنده ناشناخته‌تر بر اثر آلودگی و سروصدای زیاد از بنا فاصله گرفته‌اند. این اتفاق در آینده نزدیک برای کاروانسرای عین الرشید و مجموعه حرمسرا در نزدیکی قصر بهرام پیش خواهد آمد، و آن چه نگارنده در پنج سال پیش در این فضا تجربه کرده دیگر برای کسی قابل تجربه نخواهد بود.

منابع:

- ۱- کابریل، آلفونس، کویرهای ایران.
- ۲- پارک ملی کویر سیاه کوه، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۳- ذاکرزاده، پلهای ایران.
- ۴- سیرو، ماکسیم، کاروانسراهای ایران.



۱- جیبیر نوعی آهوست که در مناطق سنگ لاهی دامنه کوه‌ها زندگی می‌کند. ماده جیبیر مانند نوع نر آن شاخ دارد.